

پانیوم — عدد ده

عروج و سقوط اقوام: ۱۴۴,۰۰۰ پر مهر لگایا جانا اور دانی ایل ۱۱:۱۰-۱۶ کی مخفی نبوتی تاریخ

Jeff Pippenger

2025-04-16

موضوع در آیات یازده و دوازده، عروج و سقوط پادشاه جنوب است؛ همان گونه که در آیه دو، عروج و سقوط نهایی ایالات متحده که در رئیس جمهور نهایی نمایان شده است، و نیز آخرین نماینده زمینی قدرت اژدها مطرح است؛ و همچنین عروج و سقوط نهایی سازمان ملل که در آیات سه و چهار باز نموده شده است. آیات پنج تا نه، تاریخ قدرت پاپی را از ۵۳۸ تا ۱۷۹۸ بازنمایی می کنند. سال ۵۳۸ نشانگر به قدرت رسیدن اقتدار پاپی است، و سال ۱۷۹۸ نشانگر زخم مهلک پاپیت است؛ از این رو، آیات پنج تا نه، عروج و سقوط نهایی وحش را بازنمایی می کنند. آیه ده، سال ۱۹۸۹ را به عنوان سقوط پادشاه جنوب، آن گونه که در اتحاد جماهیر شوروی سابق نمایان شد، مشخص می سازد.

«هر قومی که به صحنه عمل گام نهاده است، اجازت یافته است تا جایگاه خود را بر زمین اشغال کند، تا دیده شود آیا مقصود «نگهبان و قدوس» را به جا خواهد آورد یا نه. نبوت، صعود و سقوط امپراتوری های بزرگ جهان—بابل، ماد و پارس، یونان، و روم—را ترسیم کرده است. در مورد هر یک از اینها، همانند ملت های کم قدرت تر، تاریخ تکرار شد. هر یک دوره آزمون خود را داشت، هر یک ناکام ماند، جلالش پژمرد، قدرتش زایل شد، و جای آن را دیگری گرفت...»

«از طلوع و سقوط امت ها، چنان که در صفحات کلام مقدس به وضوح آشکار شده است، آنان باید بیاموزند که جلال صرفاً ظاهری و دنیوی تا چه اندازه بی ارزش است. بابل، با همه قدرت و شکوهش، که جهان ما از آن زمان تاکنون همانندش را هرگز ندیده است،—قدرت و شکوهی که برای مردم آن روزگار چنان استوار و پایدار می نمود،—تا چه حد به کلی از میان رفته است! همچون «گل علف» نابود شده است. بدین سان هر آنچه خدا را بنیاد خویش ندارد، نابود می گردد. تنها آنچه با مقصود او پیوند دارد و منش او را بیان می کند، می تواند پایدار بماند. اصول او تنها امور ثابتی هستند که جهان ما می شناسد.» Education, 177, 184.

آیات یازدهم و دوازدهم، اوج گیری و سقوط نهایی پادشاه جنوب را، آن گونه که به وسیله روسیه نمایانده شده است، مشخص می کنند. آیات سیزدهم تا پانزدهم، اوج گیری و سقوط نهایی ایالات متحده را مشخص می سازند. سراسر روایت نبوی باب یازدهم بر ساختار عروج و سقوط پادشاهی ها بنا شده است. اگر طالب نبوت بخواهد کمترین امکانی برای تقسیم درست پیام نبوی باب یازدهم داشته باشد، باید این واقعیت را در نظر بگیرد.

منظر بنیادی باب یازدهم دانیال این است که این باب از تمثیل های مکرر صعود و سقوط پادشاهی ها تشکیل شده است. هنگامی که خواهر وایت اظهار داشت: «پس مملکت ماد و فارس و مملکت های یونان و روم هلاک شدند»، او «یونان» را به عنوان اژدها، «روم» را به عنوان وحش، و «ماد و فارس» را به عنوان نبی کاذب معرفی می کند. او صعود و سقوط نهایی آخرین پادشاهی زمینی را مشخص می سازد؛ پادشاهی ای که از اژدها و وحش و نبی کاذب تشکیل شده است، و اینان صعود خود را از قانون یکشنبه آغاز می کنند و جهان را در تحقق مکاشفه 16:12-21 به آرماگدون رهنمون می شوند. او قوم خدا را به «صعود و سقوط ملت ها، آن گونه که در صفحات کلام مقدس به روشنی آشکار شده است» متوجه می سازد، تا این منظر را به کار گیرند و «بیاموزند که شکوه صرفاً ظاهری و دنیوی تا چه اندازه بی ارزش است.»

علت اینکه نیاز داریم «بیاموزیم که جلال صرفاً ظاهری و دنیوی تا چه اندازه بی‌ارزش است»، این است که عمیق‌تر دریابیم هر آنچه «خدا را بنیاد خود ندارد» نابود می‌شود. بنابراین، اینکه خدا را به‌عنوان بنیاد خود داشته باشید یا نداشته باشید، مسئله‌ای مرگ و زندگی است. خواهر وایت سپس در آن مرحله از بسط این اندیشه، هنگامی که می‌گوید: «فقط آنچه با قصد او پیوند یافته و خصلت او را ابراز می‌دارد، می‌تواند پایدار بماند»، تعریف می‌کند که خدا را به‌عنوان بنیاد خود داشتن به چه معناست. او به‌تازگی توضیح داده است که هرچه بر بنیاد خدا نباشد نابود می‌شود، و اینکه ملاک دوگانه برای آنچه بر آن بنیاد بنا شده است این است که چیزی «با مقاصد او پیوند یافته» باشد، و «خصلت او را ابراز دارد». خصلت او بنیاد اوست.

سپس او در جمله پایانی آن بند اظهار می‌دارد که «اصول او تنها امور استوار و پابرجایی هستند که جهان ما می‌شناسد.» شخصیت خدا همان اصول اوست، و اصول او شخصیت او را بیان می‌کنند. این مسئله‌ای مرگ‌وزندگی است که انسان چگونه با خدا به‌عنوان بنیاد همه‌چیز رابطه برقرار می‌کند. من بر این باورم که ساختار بنیادی باب یازدهم دانیال بر روایت عروج و سقوط پادشاهی‌ها بنا شده است. عبارتی وجود دارد که در آن الهام، نوع درستی از مطالعه را به ما معرفی می‌کند.

"ایسا تاریخ کا ایک مطالعہ ہے جس کی مذمت نہیں کی جانی چاہیے۔ مقدس تاریخ انبیاء کے مدارس میں زیر مطالعہ علوم میں سے ایک تھی۔ اقوام کے ساتھ اُس کے معاملات کے ریکارڈ میں یہوواہ کے قدموں کے نشانات نمایاں کیے گئے تھے۔ پس آج بھی ہمیں زمین کی اقوام کے ساتھ خدا کے معاملات پر غور کرنا چاہیے۔ ہمیں تاریخ میں نبوت کی تکمیل کو دیکھنا ہے، بڑے اصلاحی تحریکات میں عنایت الہی کی کارفرمائی کا مطالعہ کرنا ہے، اور عظیم نزاع کے آخری تصادم کے لیے اقوام کی صف آرائی میں واقعات کی پیش رفت کو سمجھنا ہے۔" The Ministry of Healing, 441.

مطالعہ تقدیس شدہ تاریخ عبارت است از بررسی نحوه معاملہ خدا با امت‌های زمین، و نیز هدایت مشیت‌آمیز خدا در جنبش‌های اصلاحی او؛ از این‌رو، تاریخ تقدیس شده شامل دو خط مطالعه است: یکی بیرونی و دیگری درونی. مقصود از به‌کارگیری تاریخ در تأیید کلام نبوی خدا آن است که از آن تاریخ نبوی استفاده شود تا «پیشرفت رویدادها را در بسیج امت‌ها برای نبرد نهایی جدال عظیم» درک کنیم. بند پیشین از خواهر وایت از شرحی بسیار روشن‌گر درباره ضرورت بنا کردن الگویی نبوی از تاریخ مقدس گرفته شده بود؛ الگویی که بر ساختار بنیادی نمودیافته در «صعود و سقوط» پادشاهی‌ها استوار است.

»بہت سے لوگ مسیحی خدمت کی تیاری کے لیے یہ ضروری سمجھتے ہیں کہ تاریخی اور الہیاتی تحریروں کا وسیع علم حاصل کیا جائے۔ وہ گمان کرتے ہیں کہ یہ علم ان کے لیے انجیل کی تعلیم دینے میں مددگار ہوگا۔ لیکن انسانوں کی آرا کے محنت طلب مطالعہ کا رجحان ان کی خدمت کو مضبوط کرنے کے بجائے کمزور کرنے کی طرف ہوتا ہے۔ جب میں کتب خانوں کو تاریخی اور الہیاتی علوم کی ضخیم جلدوں سے بھرا ہوا دیکھتی ہوں تو میں سوچتی ہوں: کیوں اُس چیز پر مال خرچ کیا جائے جو روٹی نہیں ہے؟ یوحنا کا چھٹا باب ہمیں اُس سے کہیں زیادہ بتاتا ہے جو ایسی تصانیف میں مل سکتا ہے۔ مسیح فرماتا ہے: 'میں زندگی کی روٹی ہوں: جو میرے پاس آتا ہے وہ ہرگز بھوکا نہ ہوگا؛ اور جو مجھ پر ایمان لاتا ہے وہ کبھی پیاسا نہ ہوگا۔' میں وہ زندہ روٹی ہوں جو آسمان سے اُتری ہے: اگر کوئی اس روٹی میں سے کھائے تو وہ ہمیشہ تک زندہ رہے گا۔' جو مجھ پر ایمان لاتا ہے اس کے لیے ہمیشہ کی زندگی ہے۔' جو باتیں میں نے تم سے کہی ہیں، وہ روح ہیں اور زندگی ہیں۔' یوحنا 6:35، 47، 51، 63۔

ছলি ইতিহাস পবিত্র। নয় হওয়ার নন্দিতি যা, আছে অধ্যয়ন-ইতিহাস প্রকার এক এমন" ব্যবহারের তাঁর সঙ্গী জাতিসমূহের। একটি অধ্যয়নবর্ষিগণের বদ্যালয়সমূহের নবীদরে পৃথিবীর আমাদরে আজও অতএব। হতো অনুবষেতি পদচহ্নি যহিবার ববিরণে

আমাদের ইতিহাসে। হব করত ববিচেনা কার্যধারা ঈশ্বররে সঙ্গে জাতসিমূহরে
পরমশ্রেণীয় আন্দোলনসমূহে সংস্কারমূলক মহান, হব দেখতে পরপূর্ত্তভিবষিদ্বাণীর
জন্য সংঘাতরে চূড়ান্ত মহাসংঘর্ষরে এবং, হব করত অধ্যয়ন কার্যপূর্ণালী বধিনরে
"। হব করত অনুধাবন অগ্রগত ঘটনাপ্রবাহরে সমাবশে জাতসিমূহরে

»چنین مطالعه‌ای دیدگاه‌هایی وسیع و فراگیر نسبت به زندگی به ما خواهد بخشید. به ما کمک
خواهد کرد تا چیزی از روابط و وابستگی‌های آن را دریابیم، این که به چه سان به طرزی شگفت‌انگیز
در برادری عظیم جامعه و ملت‌ها به یکدیگر پیوسته‌ایم، و این که ستم و انحطاط یک عضو تا چه
اندازه به معنای زیان برای همگان است.»

»اما تاریخ، چنان که معمولاً مطالعه می‌شود، به دستاوردهای انسان، پیروزی‌های او در نبرد، و
کامیابی او در دستیابی به قدرت و عظمت می‌پردازد. عاملیت خدا در امور انسان‌ها از نظر دور
می‌ماند. اندکاند کسانی که تحقق یافتن مقصود او را در عروج و سقوط ملت‌ها مطالعه
می‌کنند.»

»و، إلى حدٍّ كبير، إنّ علم اللاهوت، كما يُدرّس ويُعلّم، ليس إلّا سجلاً للتكهّنات البشرية، ولا يخدم إلّا
في أنّ «يعتّم المشورة بكلام بلا معرفة». وكثيراً ما لا يكون الدافع إلى اقتناء هذه الكتب الكثيرة
رغبة في الحصول على غذاء للعقل والنفس بقدر ما يكون طموحاً إلى التعرف إلى الفلاسفة
واللاهوتيين، ورغبة في عرض المسيحية على الناس في عباراتٍ وقضايا علمية.»

»همه کتاب‌های نوشته‌شده نمی‌توانند مقصود یک زندگی مقدّس را برآورده سازند. آموزگار
عظیم فرمود: "از من بیاموزید"، "یوغ مرا بر خود گیرید"، "فروتنی و تواضع مرا بیاموزید." غرور
فکری شما در برقراری ارتباط با جان‌هایی که از نداشتن نان حیات در حال هلاکت‌اند، هیچ یاری‌ای
به شما نخواهد رساند. شما در مطالعه این کتاب‌ها، اجازه می‌دهید که آن‌ها جای درس‌های
عملی‌ای را بگیرند که باید از مسیح بیاموزید. مردم از نتایج این مطالعه تغذیه نمی‌شوند. بخش
بسیار اندکی از آن پژوهشی که ذهن را چنین فرسوده می‌سازد، چیزی فراهم می‌آورد که به کسی
کمک کند تا برای جان‌ها خادمی کامیاب باشد.»

نجات‌دهنده آمد «تا به فقیران بشارت دهد.» لوقا 4:18. او در تعلیم خود از ساده‌ترین تعبیرات و
روشن‌ترین نمادها بهره گرفت. و گفته شده است که «مردم عادی با رغبت به او گوش می‌دادند.»
مرقس 12:37. آنان که می‌کوشند کار او را برای این زمان انجام دهند، به درکی ژرف‌تر از
درس‌هایی که او داده است نیاز دارند.

»کلام خدای زنده، برترین هرگونه تعلیم و تربیت است. آنان که به مردم خدمت می‌کنند، باید از
نان حیات بخورند. این به ایشان قوت روحانی خواهد بخشید؛ آنگاه آماده خواهند بود تا به همه
طبقات مردم خدمت کنند.» The Ministry of Healing, 441-443.

خواهر وایت همچنین تصریح می‌کند که شناخت تجلّی قدرت خدا در برپا داشتن پادشاهان و برکنار
کردن پادشاهان بر اساس انتخاب‌های خود پادشاه، فلسفه حقیقی مطالعه تاریخ است.

"اقوام کی تاریخ میں خدا کے کلام کا طالب علم الہی نبوت کی لفظی تکمیل کو دیکھ سکتا ہے۔
بابل، جو آخرکار چکنا چور اور پاش پاش ہو گیا، اس لیے مٹ گیا کہ خوش حالی کے زمانے میں اس کے
حکمران اپنے آپ کو خدا سے بے نیاز سمجھنے لگے تھے اور اپنی سلطنت کے جلال کو انسانی کارگزاری
سے منسوب کرتے تھے۔ مادی-فارسی سلطنت پر آسمان کے غضب کا نزول اس لیے ہوا کہ اس میں
خدا کی شریعت کو پاؤں تلے روند ڈالا گیا تھا۔ خداوند کا خوف لوگوں کی عظیم اکثریت کے دلوں
میں کوئی جگہ نہ پا سکا تھا۔ شرارت، کفر، اور بدعنوانی غالب تھیں۔ جو سلطنتیں اس کے بعد
آئیں، وہ اس سے بھی زیادہ پست اور فاسد تھیں؛ اور وہ اخلاقی قدر و قیمت کے پیمانے میں گرتی

بی چلی گئیں، یہاں تک کہ مزید سے مزید پستی میں جا پہنچیں۔"

»قدرتی کہ ہر فرمانروا بر زمین اعمال می‌کند، از آسمان عطا شدہ است؛ و کامیابی او بہ چگونگی بهره‌گیری اش از این قدرتِ بخشیدہ شدہ وابستہ است۔ برای ہر یک، کلام آن ناظر الہی چنین است: "من کمر تو را بستم، ہرچند مرا نشناختی۔" اشعیا 45:5۔ و برای ہر یک، سخنانی کہ در روزگار کهن بہ نبوکدنصر گفتہ شد، درس زندگی است: "گناہان خود را بہ عدالت ترک کن، و گناہکاری‌های خویش را بہ رحم نمودن بر فقیران؛ شاید آرامی تو امتداد یابد۔" دانیال 4:27»

»برای درک این امور—برای آنکہ بفہمیم کہ "عدالت امتی را سرافراز می‌سازد؛" کہ "تخت بہ عدالت استوار می‌گردد،" و "بہ رحمت نگہ داشتہ می‌شود؛" و برای آنکہ کارکرد این اصول را در تجلی قدرت او کہ "پادشاہان را برمی‌دارد و پادشاہان را برپا می‌دارد" بازشناسیم—این است فہم فلسفہٴ تاریخ۔» امثال 14:34؛ 16:12؛ 20:28؛ دانیال 2:21۔

»تنہا در کلام خداست کہ این حقیقت بہ روشنی بیان شدہ است۔ در اینجا نشان دادہ می‌شود کہ قوت امت‌ها، همانند قوت افراد، در فرصت‌ها یا امکاناتی کہ ظاہراً ایشان را شکست‌ناپذیر می‌سازد، یافت نمی‌شود؛ در عظمتِ موردِ فخر آنان نیز یافت نمی‌شود۔ این قوت با میزان وفاداری ای سنجیدہ می‌شود کہ بہ واسطہٴ آن مقصود خدا را بہ انجام می‌رسانند۔» انبیا و پادشاہان، ۵۰۱، ۵۰۲۔

موضوع آیات یازدہ و دوازدہ، عروج و سقوطِ پادشاہ جنوب است؛ اما مہم‌تر از آن، این آیات مہر شدن صد و چہل و چہار ہزار نفر، و دومین سہ آزمونی را مشخص می‌سازند کہ در زمانِ آخر، در سال ۱۹۸۹، چنانکہ در آیہ دہ نمود یافتہ است، آغاز شد۔

آن مہرگذاری با این نمونہ‌ها بہ تصویر کشیدہ شدہ است: دانیال در چاہ شیران؛ آن سہ یار برگزیدہ در کورہ آتشین؛ دانیال و آن سہ یار برگزیدہ کہ دعا می‌کردند تا خواب نبوکدنصر دربارہٴ تمثال وحوش را در باب دو دریابند؛ دانیال کہ در باب نہ دعای لاویان بیست‌وشش را بہ جا می‌آورد؛ حکیمانی کہ افزایش معرفت را درمی‌یابند؛ یوشع کہ در زکریا باب سہ گناہش از او برداشتہ می‌شود؛ زریابل در باب چہار؛ یوسف کہ در مصر بہ فرمانروای دوم بدل می‌شود؛ شاگردان کہ دہ روز پیش از پنتیکاست در بالاخانہ بودند؛ میلری‌ها در اجتماع اردویی اکستر؛ ایلعازر کہ در ورود ظفرمندانہ پیشاپیش جمع حرکت می‌کرد؛ و آن یکصد و چہل و چہار ہزار نفر در مکاشفہ باب ہفت۔

آیتِ گیارہ سن 2014 میں یوکرینی جنگ کے آغاز پر پوری ہوئی، اور جولائی 2023 میں وہ بصری امتحان شروع ہوا، جہاں خدا کے لوگ "سفید کیے جاتے ہیں"۔ باب گیارہ کی پانچویں سطر آیات تیرہ سے پندرہ تک ہے۔

پانچویں سطر کا اجمالی جائزہ

زیرا پادشاہ شمال بازخواہد گشت، و انبوہی بزرگ‌تر از نخستین بسیج خواہد کرد، و بی‌گمان پس از چند سال با لشکری عظیم و ثروتی بسیار خواہد آمد۔ و در آن ایام، بسیاری بر ضد پادشاہ جنوب برخواہند خاست؛ و نیز یاغیان قوم تو سر برخواہند آورد تا رؤیا را برقرار سازند، لیکن سقوط خواہند کرد۔ پس پادشاہ شمال خواہد آمد و خاکریزی برپا خواہد کرد و شہرهای مستحکم را خواہد گرفت؛ و نیروهای جنوب تاب مقاومت نخواہند آورد، نہ حتی قوم برگزیدہ او، و ہیچ توانی برای ایستادگی نخواہد بود۔ دانیال ۱۱:۱۳–۱۵

این آیات در سال ۲۰۰ پیش از میلاد تحقق یافتند و نبرد پانیوم را مشخص می‌کنند، کہ پادشاہان متخاصم و اتحادهای ایشان را دربر می‌گیرد؛ و این آیات ہمچنین نقطہ‌ای در تاریخ‌اند کہ در آن روم مشرک برای نخستین بار حضور خود را در تاریخ دانیال یازدہ آشکار ساخت۔ این آیات ہم آخرین عروج و

سقوط ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس را شامل می‌شوند، و هم تاریخ کتاب مقدسی دیدار مسیح از قیصریه فیلیپی را، جایی که پطرس مهر شدن صد و چهل و چهار هزار را تعیین می‌کند. این تاریخ، با فرا رسیدن سومین سه آزمون باب دوازدهم که عبارت است از «پاک شدن، سفید گردیدن و آزموده شدن»، مهر شدن صد و چهل و چهار هزار را نمونه‌وار می‌سازد.

این سه آیه به آیه شانزدهم منتهی می‌شوند، جایی که قانون یکشنبه در ایالات متحده به تصویر کشیده شده است. هنگامی که گردهمایی اردوگاهی اکتر در ۱۷ اوت ۱۸۴۴ پایان یافت، باکره‌های حکیم در مدت شصت و شش روز، پیام فریاد نیمه‌شب را در سراسر کرانه شرقی ایالات متحده حمل کردند. دوره‌ای وجود دارد که در آن همه باکره‌ها بیدار می‌شوند و یک گروه روغن ندارند، و هر آنچه این امر آن را مشخص می‌سازد. هنگامی که نام شمعون باریونا به پطرس تغییر یافت، مهر شدن صد و چهل و چهار هزار تن مشخص می‌گردد. از آن نقطه به بعد، عیسی آغاز کرد که به شاگردان درباره وقایع مرتبط با صلیب تعلیم دهد.

صلیب نماد ختم مهلت آزمایش است، و ویلیام میلر که به وسیله یحیی تعمیددهنده نمونه‌وار شده بود، و یحیی نیز به نوبه خود به وسیله ایلیا نمونه‌وار شده بود، برانگیخته شد تا «وقایعی را که با ختم مهلت آزمایش مرتبط است» عرضه کند، همان‌گونه که هم یحیی تعمیددهنده و هم ایلیا چنین کردند. یحیی آن را بدین‌گونه بیان کرد.

لیکن جب اُس نے بہت سے فریسیوں اور صدوقیوں کو اپنے بپتسمہ کے لیے آتے دیکھا تو اُن سے کہا، آے سانپوں کے بچے، تمہیں کس نے آگاہ کیا کہ آتے والے غضب سے بھاگو؟ متی 3:7.

الیاس نے اسے یوں کہا۔

و اخاب ببشہای ساخت؛ و اخاب بیش از همه پادشاهان اسرائیل که پیش از او بودند، یهوه خدای اسرائیل را به خشم آورد. در ایام او، حیئیل بیت‌ایلی آریحا را بنا کرد: پی آن را به بهای آبیرام، نخست‌زاده‌اش، نهاد و دروازه‌هایش را به بهای سَجوب، پسر کوچک‌ترش، برپا ساخت، مطابق کلام یهوه که به واسطه یوشع بن نون گفته بود. و ایلای تیشی، که از ساکنان جلعاد بود، به اخاب گفت: «به حیات یهوه، خدای اسرائیل، که به حضور او ایستاده‌ام، در این سال‌ها نه شب‌نمی‌خواهد بود و نه بارانی، مگر به فرمان من.» اول پادشاهان 16:33-17:1

وایت درباره کار ویلیام میلر به‌عنوان یک مصلح معاصر چنین بیان کرد:

«لازم بود که مردم نسبت به خطر خود بیدار شوند؛ که برانگیخته شوند تا برای رویدادهای خطیر مرتبط با پایان مهلت آزمایش آماده گردند.» نبرد عظیم، 310.

شش آیه پایانی دانیال یازدهم، بیانگر «رویدادهای مرتبط با پایان زمان امتحان» هستند. این رویدادها در زمان آخر، در سال ۱۹۸۹، گشوده شدند و به‌روشنی آشکار گردیدند.

խաչելութիւնից առաջ Փրկիչը իր աշակերտներին բացատրեց, որ ինքը 595:»
պիտի մատնվի մահվան և հարություն առնի գերեզմանից, և իրեշտակներ
ներկա էին, որպեսզի Նրա խոսքերը տպավորեն միտքերին ու սրտերին: Բայց
աշակերտները սպասում էին ժամանակավոր ազատագրման հռոմեական լծից,
և նրանք չէին կարող տանել այն միտքը, որ Նա, Ում վրա կենտրոնացած էին
իրենց բոլոր հույսերը, պիտի կրի անարգալից մահ: Այն խոսքերը, որոնք նրանք
պետք է հիշեին, վտարվեցին նրանց մտքերից, և երբ փորձության ժամը եկավ,
այն նրանց գտավ անպատրաստ: Հիսուսի մահը նույնքան ամբողջապես
կործանեց նրանց հույսերը, ասես Նա նախապես նրանց զգուշացրած չլիներ:

Այսպես էլ մարգարեություններում ապագան բացվում է մեր առաջ նույնքան հստակ, որքան այն բացվեց աշակերտների առաջ Քրիստոսի խոսքերով: Փակված շնորհի ժամկետի ավարտի հետ կապված իրադարձությունները և նեղության ժամանակի համար պատրաստության գործը հստակ ներկայացված են: Բայց բազմությունները այս կարևոր ճշմարտությունների վերաբերյալ առավել հասկացողություն չունեն, քան եթե դրանք երբեք հայտնված չլինեին: Սատանան հսկում է, որպեսզի խլի ամեն այն տպավորությունը, որը նրանց իմաստուն կդարձնե դեպի փրկություն, և նեղության ժամանակը նրանց կգտնի անպատրաստ»: Մեծ պաշարը, 595:»

در قیصریه فیلیپی، که همان پانیوم است، یعنی در آیات سیزده تا پانزده، مسیح آغاز کرد که دربارهٔ صلیب به شاگردان خود تعلیم دهد؛ و بدین سان تاریخ گردهم‌آیی اردوگاهی اکستر را تا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به گونه‌ای نمادین مجسم ساخت. در آغاز جنبش اصلاحی یکصد و چهل و چهار هزار، «وقایع مرتبط با بسته‌شدن زمان آزمایش» از مهر گشوده شد، و در پایان جنبش یکصد و چهل و چهار هزار، «وقایع مرتبط با بسته‌شدن زمان آزمایش» در تاریخ پنهان آیه چهل از مهر گشوده می‌شود.

«آج، الیاس اور یوحنا بپتسیمہ دینے والے کی روح اور قدرت میں، خدا کی طرف سے مقرر کردہ پیامبر ایک ایسی دنیا کی توجہ اُن پر ہیبت واقعات کی طرف مبذول کر رہے ہیں جو بہت جلد مہلت آزمائش کے اختتامی لمحات اور مسیح یسوع کے بادشاہوں کے بادشاہ اور خداوندوں کے خداوند کے طور پر ظہور کے سلسلے میں وقوع پذیر ہونے والے ہیں۔» Prophets and Kings, 715, 716.

.Los “acontecimientos relacionados con el cierre del tiempo de gracia” son los acontecimientos que quedan revelados en la historia oculta del versículo cuarenta. En Zacarías capítulo tres se ilustran las escenas finales del juicio investigador. La Inspiración combina el testimonio de Zacarías con aquellos que son sellados en Ezequiel capítulo nueve

Khudā barā-ye makrūhātī ke dar sarzamīn anjām mīshavad, āh mīkashand enkar-nā” va girya mīkunand. Bā ashk, sharīrān rā az khatar-e pāymāl kardan-e sharī’at-e ilāhī hoshdār mīdahand, va bā andūhī nāgoft-e-pazīr, be sabab-e ta’addiyāt-e khod, dar huzūr-e Khāvand khod rā farotan mīsāzand. Sharīrān andūh-e ānān rā maskhara mīkunand, ested’āhā-ye jadī-ye īshān rā be rīshkhand mīgīrand, va be ānche za’f-e ānān mīkhānand, ta’na mīzanand. Ammā ranj va khāksārī-ye qaum-e Khudā ast bar īnke ānān dar hāl-e bāzyāftan-e Mardum-e ghovāhī-ye āshkār va enkar-nā” آن نیرو sharāfat-e kheradmandāne-ye sefat-and ke dar payāmad-e gonāh az dast dāde būdand. In az ān rūst ke ānān be Masīh nazdīktar mīshavand va cheshmān-e īshān bar pāki-ye kāmel-e Ū dookhte shode ast, ke gonāh-būdgī-ye bī-andāze-ye Pashīmānī va khod-farotanī-ye ānān dar nazar-e gonāh rā bedīn hadd roshan mībīn Khudā be marāteb pasandīda-tar ast az rūh-e khod-kāfī va motakabberi-ye ānān ke Masīh rā tahqīr mīkunand, va dar hālī sharī’at-e فروتنی hīch sababī barā-ye nūheh nadī Khudā tajāvuz mīkunand, da’vā-ye kamāl dārand. va مقدس ke az sharī’at-e فروتنی Taj-e jalāl del shart-hā-ye qudrat va pīrūzī- فروتنی pīrūzī- Halāvat va مقدس “mīāvarand. Khoshā be hāl-e īn فرود muntazer-e ānān ast ke dar pā-ye šalīb sar matamdārān, zīrā tasallī khāhand yāft

»ایمانداران اہل دعا، بہ نوعی، با خدا در حصارند. خود ایشان نیز نمی دانند کہ تا چه اندازہ استوار در پناہ نگاہ داشتہ شدہ اند. حاکمان این جہان، کہ از سوی شیطان برانگیختہ می شوند، در پی آنند کہ ایشان را ہلاک کنند؛ اما اگر چشمانشان گشودہ می شد، چنان کہ چشمان خادم الیسع در دوتان گشودہ شد، فرشتگان خدا را می دیدند کہ گرداگرد ایشان اردو زدہ اند و بہ واسطۂ درخشندگی و جلال خویش، لشکرهای تاریکی را مہار می کنند.»

वनिती लिए के पवत्रिता की हृदय, हुई करती दीन को प्राणों अपने सामने उसके प्रजा की परमेश्वर जब” है जाते कहे वचन उत्साहवर्धक ये और; दो उतार वस्त्र मैले इनके, है जाती दी आज्ञा यह तब, है करती धार्मिकता की मसीह’ पहनाऊंगा। वस्त्र के बदलने तुझे मैं और, है दिया कर दूर से तुझ अधर्म तेरा ने मैं, देख’ जाता दिया पहना पर सन्तानों वशिवासयोग्य तौभी, परीक्षति, हुई परखी की परमेश्वर वस्त्र नषिकलंक का की संसार कभी फरि और, है जाता कया वभिषति से पोशाक महामिमय जन शेष गया जाना तुच्छ है। वशिवासियों के युगों सब, है रहते बने में पुस्तक-जीवन की मेम्ने नाम उनके होगा। नहीं अशुद्ध से भरपटताओं नषिठा अपनी से गर्जना की अजगर वे; है कया सामना का युक्तियों की बहकानेवाले उन्होंने अंकति। बीच के उद्गमकर्ता के पाप पाप उनके है। सुरक्षति से चालों की परखनेवाले लिए के सदैव वे अब गए। हटाए नहीं से कया नहीं ही ग्रहण और जाता कया नहीं ही क्षमा केवल शेष वह और है। जाते दिए कर स्थानांतरति पर के परमेश्वर वे है। जाती रखी पर सरिों उनके’ पगड़ी सुन्दर एक है। जाता कया भी सम्मानति वरन्, जाता करने नाश का मंडली इस और था रहा लगा अभयोग अपने शैतान जब जाएँगे। ठहराए याजक और राजा लिए जीवते पर उन, हुए जाते-आते उधर-इधर, से रीति अद्भुत, स्वर्गदूत पवत्रि तब, था रहा कर प्रयास का पर मार्थों जनिके और, है खड़े पर पर्वत सयियों साथ के मेम्ने जो है वे यही थे। रहे लगा मुहर की परमेश्वर चवालीस लाख एक जसै गीत वह, है गाते गीत नया वह सामने के सहिसन वे है। हुआ लिखा नाम का पति के मेम्ने जो, है वे ये ’सकता। सीख नहीं मनुष्य कोई, थे गए लिए मोल से पर पृथ्वी जो, सवि के हजार लयि के मेम्ने और परमेश्वर क, गए लिए मोल से में मनुष्यों ये है। जाता वह कहीं जहाँ है चलते पीछे-पीछे सामने के सहिसन के परमेश्वर वे क्योंकि, गया पाया न कपट कोई में मुँह उनके और हो। फल पहलौठे है। नरिदोष

»اکنون تحقق کامل آن سخنان فرشته فرارسیده است: ”پس الآن بشنو، ای یوشع کاهن اعظم، تو و یاران که پیش روی تو نشسته اند؛ زیرا ایشان مردانی شگفت انگیزند؛ زیرا اینک من بنده خود، آن شاخه را خواهم آورد.“ مسیح به عنوان فدیہ دهنده و رهایی بخش قوم خویش آشکار می شود. اکنون، به راستی، باقی ماندگان ”مردانی شگفت انگیز“ هستند، زیرا اشک ها و خواری ایام غربت ایشان جای خود را به شادی و اکرام در حضور خدا و بره داده است. ”در آن روز، شاخه خداوند زیبا و جلیل خواهد بود، و میوه زمین برای نجات یافتگان اسرائیل ممتاز و دلپسند خواهد شد. و واقع خواهد شد که هر که در صهیون باقی مانده باشد و هر که در اورشلیم برجا مانده باشد، مقدس خوانده خواهد شد؛ یعنی هر که در میان زندگان اورشلیم مکتوب است.“ شهادت ها، جلد ۵، ۴۷۶-۴۷۴.

مکاشفہ کی کتاب میں مذکور ایک لاکھ چوالیس ہزار حزقی ایل ہی کا وہ گروہ ہیں جو ملک میں ہونے والی مکروہات پر ”آپیں بھرتے اور فریاد کرتے“ ہوئے ”مہر کیے“ جاتے ہیں۔ ان پر اُس وقت مہر کی جاتی ہے جب انہیں مسیح کی راستبازی کا لباس اور وہ خوبصورت عمامہ عطا کیا جاتا ہے جو پطرس کے ”بادشاہوں اور کاہنوں“ کی نمائندگی کرتا ہے؛ جو پہلے خدا کے لوگ نہ تھے، مگر اب خدا کے لوگ بن گئے ہیں۔

لیکن تم ایک برگزیدہ نسل، شاہی کہانت، مقدس قوم، اور خدا کی خاص ملکیت والی اُمّت ہو، تاکہ تم اُس کی فضیلتوں کا اعلان کرو جس نے تمہیں تاریکی میں سے اپنی عجیب روشنی میں بلایا ہے؛ تم جو پہلے اُمّت نہ تھے، مگر اب خدا کی اُمّت ہو؛ اور جن پر رحم نہ کیا گیا تھا، مگر اب تم پر رحم کیا گیا ہے۔ اے عزیزو، میں تم سے، پردیسیوں اور مسافروں کے طور پر، التماس کرتا ہوں کہ

جسمانی خواہشوں سے باز رہو، جو جان کے خلاف جنگ کرتی ہیں؛ اور غیروں کے درمیان اپنا چال چلن نیک رکھو، تاکہ جہاں وہ تمہیں بدکار کہہ کر بدگوئی کرتے ہیں، وہاں وہ تمہارے نیک کاموں کو دیکھ کر، روز بازپرس میں، خدا کی تمجید کریں۔ Peter 2:9-12

پس اکنون اگر واقعاً آواز مرا اطاعت کنید و عہد مرا نگاہ دارید، آنگاہ برای من از میان جمیع قوم‌ها گنجینہ‌ای خاص خواهید بود؛ زیرا تمامی زمین از آن من است. و شما برای من مملکتی از کاهنان و امتی مقدس خواهید بود. این است سخنانی کہ باید بہ بنی اسرائیل بگویید. خروج ۱۹:۵، ۶

در واپسین ایام تاریخ این زمین، عہد خدا با قوم نگاہدارندہ احکام او تجدید خواهد شد. «و در آن روز، برای ایشان با وحوش صحرا و با مرغان آسمان و با خندگان زمین عہدی خواہم بست؛ و کمان و شمشیر و جنگ را از زمین خواہم شکست، و ایشان را در امان خواہم خوابانید. و تو را تا ابد برای خود نامزد خواہم کرد؛ آری، تو را در عدالت و در داوری و در محبت ثابت و در رحمت‌ها برای خود نامزد خواہم کرد. و تو را در وفاداری برای خود نامزد خواہم کرد؛ و خداوند را خواہی شناخت.»

«و در آن روز واقع خواهد شد کہ من اجابت خواہم فرمود، خداوند می‌گوید؛ آسمان‌ها را اجابت خواہم کرد، و آنها زمین را اجابت خواہند کرد؛ و زمین غلہ و شراب و روغن را اجابت خواہد کرد؛ و آنها یزرعیل را اجابت خواہند کرد. و او را برای خویشتن در زمین خواہم کاشت؛ و بر آن کہ رحمت نیافتہ بود رحمت خواہم کرد؛ و بہ آنان کہ قوم من نبودند خواہم گفت: تو قوم من هستی؛ و ایشان خواہند گفت: تو خدای من هستی.» هوشع ۱۴:۲-۲۳

«در آن روز... باقی‌ماندگان اسرائیل و آنان کہ از خاندان یعقوب رهایی یافتہ‌اند... بر خداوند، قدوس اسرائیل، بہ راستی توکل خواہند کرد.» اشعیا ۱۰:۲۰. از «ہر امت و قبیلہ و زبان و قوم» کسانی خواہند بود کہ با شادی بہ این پیام پاسخ خواہند داد: «از خدا بترسید و او را جلال دهید، زیرا کہ ساعت داوری او فرا رسیدہ است.» آنان از ہر بتی کہ ایشان را بہ این زمین بستہ است، روی خواہند گردانید و «او را کہ آسمان و زمین و دریا و چشمہ‌های آب را آفرید، پرستش خواہند کرد.» ایشان خود را از ہر قید و گرفتاری آزاد خواہند ساخت و در برابر جہان چون یادگارهای رحمت خدا خواہند ایستاد. در اطاعت از ہر الزام الہی، نزد فرشتگان و آدمیان بہ‌عنوان کسانی شناختہ خواہند شد کہ «احکام خدا و ایمان عیسی را حفظ می‌کنند.» مکاشفہ ۱۴:۶-۷، ۱۲.

«اینک ایامی می‌آید، می‌گوید خداوند، کہ شخم‌زن بہ دروگر خواہد رسید، و فشرندہٗ انگور بہ آن کہ بذر می‌افشاند؛ و کوہ‌ها شراب شیرین خواہند چکاند، و تمامی تپہ‌ها گداختہ خواہند شد. و اسیری قوم خود، اسرائیل، را باز خواہم گردانید، و آنان شہرهای ویران را بنا خواہند کرد و در آن‌ها ساکن خواہند شد؛ و تاکستان‌ها غرس خواہند نمود و شراب آن‌ها را خواہند نوشید؛ و نیز باغ‌ها خواہند ساخت و از میوہٗ آن‌ها خواہند خورد. و ایشان را بر زمین ایشان خواہم کاشت، و دیگر از زمینی کہ بہ ایشان دادہ‌ام برکنندہ نخواہند شد، می‌گوید یہوہ خدای تو. عاموس ۹:۱۳-۱۵.»

Review and Herald، فورہ ۱۹۱۴.

آشکار است کہ از زمانی کہ آخرین نسل برگزیدہ از یکصد و چہل و چہار ہزار نفر مہر می‌شوند، ہنوز امت‌هایی ہستند کہ در روز تفقد امت‌ها می‌توانند از شیوہ زندگی یکصد و چہل و چہار ہزار نفر (سلوک) تأثیر پذیرند.

moc ani ľudská sila nezaložili Božiu cirkev, a rovnako ju ani nemôžu zničiť. Cirkev 4,6, nebola založená na skale ľudskej sily, ale na Kristovi Ježišovi, Skale vekov, „a pekelné brány ju nepremôžu.“ Matúš 16,18. Božia prítomnosť dáva Jeho dielu pevnosť. „Nedúfajte v kniežatá ani v syna človeka,“ je slovo, ktoré k nám prichádza. Žalm 146,3. „V tichosti a v dôvere bude vaša sila.“ Izaiáš 30,15. Božie slávne dielo, založené na

večných zásadách práva, nikdy nevyjde navnivoč. Bude postupovať od sily k sile, „nie mocou ani silou, ale mojím Duchom, hovorí Hospodin zástupov.“ Zachariáš 4,6,

یہ وعدہ کہ ”زربابل کے ہاتھوں نے اس گھر کی بنیاد ڈالی ہے؛ اور اسی کے ہاتھ اسے تمام بھی کریں گے،“ لفظی طور پر پورا ہوا۔ آیت 9۔ ”اور یہودیوں کے بزرگ تعمیر کرتے رہے، اور حبی نبی اور زکریا بن عدو کی نبوت کے وسیلہ سے ترقی کرتے رہے۔ اور انہوں نے اسے اسرائیل کے خدا کے حکم کے مطابق، اور خورس، اور داریوس، اور ارتخششتا، فارس کے بادشاہ، کے فرمان کے مطابق تعمیر کیا اور مکمل کیا۔ اور یہ گھر ماہِ آدار [بارہواں مہینہ] کی تیسری تاریخ کو، جو داریوس بادشاہ کی سلطنت کے چھٹے سال میں تھی، مکمل ہوا۔“ عزرا 6:14، 15۔ انبیا اور سلاطین، 595، 596۔

آیات سیزدہ تا پانزدہ نمایانگر رویدادہای نبوی ای هستند کہ در قانون یکشنبه به پایان زمان امتحان برای نگاهداران سبت می انجامند. همچنین این آیات، سومین سه گام مذکور در آیه ده دانیال دوازده را نشان می دهند. آیه ده «تطهیر» است؛ آیات یازده و دوازده بیانگر «سفید ساخته شدن» هستند؛ و آیات سیزده تا پانزدہ نمایانگر آزمون تعیین کنندہای هستند کہ در آن باکرگان نگاهدار سبت «آزموده» می شوند.

پیام درونی در کتاب دانیال به وسیلهٔ رؤیای نهر اولای در باب های هفت تا نه نمایانده شده است، و پیام بیرونی به وسیلهٔ رؤیای نهر حداقل در باب های ده تا دوازده نمایانده می شود. باب دوازده اوج هر دو رؤیای درونی و بیرونی است، و روشی را ارائه می کند که مسیح به واسطهٔ آن صد و چهل و چهار هزار را برمی خیزاند و تطهیر می نماید. آیات ده تا شانزده تاریخ پنهان آیه چهل را از 1989 تا قانون یکشنبه آیه چهل و یک و شانزده بازنمایی می کنند. آیاتی که در این تاریخ پنهان جای می گیرند، تحقق کامل آیه ده باب دوازده را نشان می دهند.

بسیاری طاهر خواهند شد و سفید گشته، آزموده خواهند شد؛ اما شریران شرارت خواهند ورزید، و هیچ یک از شریران نخواهند فهمید؛ لیکن حکیمان خواهند فهمید. و از زمانی که قربانی دائمی برداشته شود و مکروه ویرانگر برپا گردد، هزار و دویست و نود روز خواهد بود. خوشا به حال آن که انتظار کشد و به هزار و سیصد و سی و پنج روز برسد. دانیال ۱۲:۱۰-۱۲.

«حکیمان»ی که آیات ده تا شانزده را درمی یابند و هم از لحاظ «فکری» و هم از لحاظ «روحانی» مَهر شده اند، همان کسانی هستند که پیام نبوی بیرونی بازنمایی شده در تاریخ پنهان آیه چهل را درک می کنند، و پیش از قانون یکشنبه از لحاظ «فکری» در آن فهم استوار شده اند. «حکیمان» کسانی هستند که به واسطهٔ پیام درونی بازنمایی شده در مکاشفه، فصل یازدهم و آیه یازدهم، دگرگون شده اند و پیش از قانون یکشنبه در آن تجربه استقرار یافته اند.

«حکیمان» کسانی اند که «برکت» مرتبط با «انتظار کشیدن» را دریافت کرده اند، و بدین سان، یکصد و چهل و چهار هزار تن را به عنوان کسانی مشخص می سازد که تحقق کامل و نهایی مثل ده باکره را به انجام می رسانند. مکاشفه، باب یازدهم، آیه یازدهم، در ژوئیهٔ ۲۰۲۳ فرارسید، و از این رو «زمان آخر» را رقم زد؛ زمانی که دانیال و مکاشفه با دو شاهد نشان می دهند که افزایش معرفتی که در ژوئیهٔ ۲۰۲۳ گشوده شد، فرایند مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار تن را مشخص می سازد. یازده به علاوه یازده برابر است با بیست و دو، که نمادی از پیوند الوهیت با انسانیت است، و آنان که از فرایند تطهیر سه مرحله ای که یکصد و چهل و چهار هزار تن را پدید می آورد عبور می کنند، در دانیال ۱۲:۱۲ معرفی شده اند، و این امری است که نشانه ای دیگر از پالمونی فراهم می آورد، زیرا دوازده ضرب در دوازده برابر است با یکصد و چهل و چهار هزار.

ما این بررسی را در مقالهٔ بعدی ادامه خواهیم داد.